



مركز فرهنگ و معارف قرآن
مركز تحقيقات اسلامي حوزه علميه

۵۴۹

مجموعه مقالات قرآنی سال ۱۳۸۵

عنوان مقاله:

نویسنده:

محل چاپ:

تاریخ نشر:

چرخه‌های از زلال وحی

پیام‌های آسمانی (۸)

میرصادق سیدنزاد

منطق جهاد اسلامی

هنگامی که سخن از جهاد به میان آمد، از طرف دشمنان انتقادهای فراوانی به این اصل اسلامی وارد شد؛ انتقادهایی که از ناشناختن منطق اسلام در جهاد سرچشمه می‌گرفت. قرآن کریم در آیه‌ای، به همه انتقادهای چنین پاسخ می‌دهد: «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد».^۱

در این آیه به سه نکته اساسی اشاره شده است:

۱. هدف اصلی جهاد اسلامی، حق‌محوری، عدالت و یکتاپرستی است که خداوند از آن با

عنوان فی سبیل الله یاد می‌کند.

۲. پیش‌دستی در جنگ، جز در موارد خاص جایز نیست.

۳. جنگ اسلامی حدّی دارد که تجاوز از آن روا نیست. برای مثال، افراد ناتوان نظیر بچه‌ها،

پیرها و زن‌ها در امان هستند و کسی نباید به آنها تعرض کند.

جنگ در ماه حرام

برخورد با ستمگران و متجاوزان، وظیفه‌ای دینی است که در قرآن به آن و ضوابط آن اشاره شده است. در این باره نقل شده است که مشرکان چون می‌دانستند پیامبر خدا ﷺ در ماه‌های حرام (ذیقعد، ذیحجه، محرّم و رجب) اقدام به جنگ نمی‌کند، تصمیم گرفتند در این ماه‌ها مسلمانان را غافل گیر و به آنها حمله کنند. در این هنگام، آیه‌ای نازل شد و پرده از توطئه دشمنان برداشت. خداوند دستور داد: «هر کس به شما تجاوز کرد، شما نیز حق دارید بمانند آن بر او یورش برید و اندازه نگهدارید و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است».^۲ بنابراین، احترام ماه حرام، فقط در برابر کسانی است که آن را محترم می‌شمارند، ولی اگر گروهی آن را زیر پا نهند، رعایت احترام آن لازم نیست.

امان در سایه ایمان

صلح و آرامش، از اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ، و ایمان به خداوند و سر فرودآوردن در برابر دستورات او، مهم‌ترین عامل صلح است. دنیای امروز در نتیجه دوری از ایمان و رفتن به راه‌های غلط، به رغم پیشرفت در دانش و فناوری، در عرصه دست‌یابی به صلح و امنیت، چنان‌که باید توفیقی به دست نیاورده است. قرآن کریم در دستوری روشن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآیید و از خواسته‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».^۱ پیام آیه این است که تنها با استفاده از نیروی معنوی ایمان است که افراد بشر با تمام اختلافاتی که در زبان، نژاد، ثروت، سرزمین و طبقه اجتماعی دارند، می‌توانند همانند برادر گردهم آیند و در صلح و امنیت کامل زندگی کنند.

سختی‌ها، وسیله امتحان

از سنت‌های همیشگی خداوند، آزمون انسان‌ها با سختی‌ها و مشکلاتی است که بر سر راه آنها قرار می‌گیرد. خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: «آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد! همان‌هایی که گرفتاری و ناراحتی‌ها به آنان رسید، آنچنان ناراحت شدند که گفتند: پس یاری خدا کجاست؟»^۲ بر اساس این آیه، همه امت‌ها باید در تنگنای سخت حوادث قرار بگیرند. این‌گونه نیست که صرف اقرار به ایمان و اسلام، همه مشکلات را برطرف سازد و دیگر هیچ‌گونه خطر و پیشامد تلخ و سختی متوجه مؤمنان نشود. بلکه گاه امر برعکس است و چون راه رسیدن به کمالات برتر، پیروزی در این امتحان‌هاست، در نتیجه آنها بیشتر از دیگر مردم با سختی‌ها و رنج‌ها روبه‌رو می‌شوند تا مقام و درجات معنوی و کمالات انسانی‌شان ارتقا یابد.

پذیرش همه دستورات

برخی با وجود اعتقاد به خداوند و حقانیت پیامبران الهی، در حقانیت برخی دستورات دچار تردید می‌شوند و به بیراهه می‌روند. آنها وقتی دستوری الهی را با ملاک‌های علم و عقل ناقص خود موافق نمی‌بینند، با آن مخالفت می‌کنند یا از عمل به آن دستور روی برمی‌گردانند.

خداوند بارها در قرآن کریم به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مبادا در برخورد با دستورهای الهی، تنها به درک ناقص و محدود علم و عقل خود اعتماد کنند؛ چرا که علم و اندیشه محدود

۱. بقره: ۲۰۸.

۲. بقره: ۲۱۴.

آنها، از رسیدن به سر و مصلحت واقعی بسیاری از دستورات الهی ناتوان است. قرآن کریم در مسئله امر به جهاد می‌فرماید: «جهاد در راه خدا برای شما مقرر شد، در حالی که از آن اکراه دارید. چه بسیار کارها که شما از آنها اکراه دارید، ولی خیرتان در آنهاست، یا چه بسا چیزی را دوست داشته باشید که زیان شما در آن باشد. البته خداوند با علم بی‌انتهای خود، اموری را می‌داند که شما نمی‌دانید»^۱.

سزای نافرمانی بعد از شناخت

خداوند به مؤمنان هشدار داده است که در انجام کارها دقت کنند و متوجه این حقیقت باشند که هرگز پس از شناخت حقیقت، از روی عمد آن را زیر پا نگذارند که این کار، نتایج و پی‌آمدهای بدی بر آنها خواهد داشت. از آن جمله، کفر بعد از ایمان است که بر اساس آموزه‌های دینی، سبب از بین رفتن نتایج همه کارهای نیک انسان می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «مشرکان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیین خودتان برگردانند، ولی بدانید هر کس از آیین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک گذشته او در دنیا و آخرت بر باد می‌رود. آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود»^۲.

حرمت شراب در آیات

تمامی اموری که در آموزه‌های دینی مورد تشویق یا تحریم قرار گرفته‌اند، مصلحت یا مفسده‌ای دارند که گاه در مجموعه آیات و روایات، به برخی از این امور اشاره شده است. یکی از اموری که با تأکید در آموزه‌های اسلامی منع شده، شرابخواری است. در آیه‌ای می‌خوانیم: «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو در آن دو گناه بزرگ است»^۳. نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! شراب... پلیدی و کار شیطان است؛ از آن بپرهیزید تا رستگار شوید»^۴. امروزه زیان‌های جسمی، روحی، روانی و حتی اقتصادی و اجتماعی شراب، با تحقیقات علمی برای همگان روشن شده است و تقریباً بر مضر بودن آن اتفاق نظر وجود دارد. البته پیروی از هواهای نفسانی، مانع از آن است که برخی، به طور کامل از این دستور الهی اطاعت کنند.

حرمت شراب در روایات

در مجموعه آموزه‌های اسلامی به شیوه‌های گوناگون از شرابخواری نهی شده است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

۲۵۲۸

۱. بقره: ۲۱۶.

۲. بقره: ۲۱۷.

۳. بقره: ۲۱۹.

۴. مائده: ۹۰.

«شراب سرچشمه همه زشت کاری‌ها و گناهان بزرگ است».^۱ امام صادق علیه السلام هم در پاسخ مفضل که از علت تحریم شراب پرسید، فرمود: «خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادى که به وجود می‌آورد حرام کرد. می‌گساری، سبب گرفتاری جسم، از دست رفتن نورانیت دل و از میان رفتن مردانگی و مروت می‌شود و انسان را در مورد ارتکاب گناهان بزرگ، نظیر زنا، قتل، جنایت و...، بی‌پروا می‌سازد».^۲

آثار گناه

همه رفتارهای آدمی، آثاری در پی دارد که در دنیا یا آخرت به او خواهد رسید. بر این اساس، در قرآن کریم بارها درباره آثار شوم و کیفر گناهان سخن به میان آمده است: «هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌ماند».^۳ یا «کافران کسانی هستند که خداوند بر اثر گناهانشان، بر قلب، گوش و چشمانشان مهر نهاده است».^۴ نیز در اشاره به کسانی که در امت‌های گذشته، بر اثر گناهان گرفتار عذاب الهی شدند می‌فرماید: «آنها را به سبب گناهی که انجام دادند نابود ساختیم»^۵ یا «این، خانه‌های آنهاست که به دلیل ظلم و ستم اهلشان، چنین خالی و ویران مانده‌اند».^۶

نتیجه رضایت به گناه

اسلام با دو دستور دقیق امر به معروف و نهی از منکر و دو وظیفه مهم تولی (عشق به خوبان و خوبی‌ها) و تبری (قهر و روی‌گردانی از فاسقان و ستمگران)، مردم را به مبارزه با گناهان فرا می‌خواند. خداوند در قرآن کریم، با کسانی که به کارهای بد دیگران رضایت قلبی نشان می‌دهند، به مخالفت پرداخته، آنان را شریک در سزای عمل بد آنها دانسته است. خداوند به یهودیان زمان پیامبر که به پیامبرکشی اجداد خود راضی بودند، لقب قاتل می‌دهد.^۷ امام صادق علیه السلام نیز آنانی را که به قتل امام حسین علیه السلام در کربلا راضی و خشنود بودند، قاتل آن حضرت معرفی کرد و فرمود: «رضایت به قتل، انسان را در صف قاتلان قرار می‌دهد».^۸ در واقعه کشتن شتر حضرت صالح علیه السلام هم با اینکه قاتل آن یک نفر بود، خداوند همه قوم ثمود را که به این کار راضی بودند، قاتل آن معرفی کرد و عذاب الهی نیز شامل حال همه آنها شد.^۹

۲. علل الشرایع، ص ۴۷۶، ح ۲.

۴. نحل: ۱۰۸.

۶. نمل: ۵۲.

۸. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۲.

۱. کنز العمال، ح ۱۳۸۱.

۳. جن: ۲۳.

۵. انعام: ۶.

۷. نک: آل عمران: ۱۸۳.

۹. هود: ۶۵؛ شعرا: ۱۵۷؛ شمس: ۱۴.

عوامل شکست و نابودی امت‌ها

در مجموعه‌ای از آیات قرآن، از برخی علل شکست امت‌ها چنین یاد می‌شود:

- گناهان: «آیا ندیده‌اید که پیش از آنان، چه بسیار امت‌ها را هلاک کردیم. [امت‌هایی که] در

زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم. ... [چون گناه کردند] به

سزای گناهان هلاکشان کردیم و پس از آنان، نسل‌های دیگری پدید آوردیم».^۱

- تفرقه و اختلاف: «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و

مهابتان از میان می‌رود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است».^۲

- بخل و دنیاپرستی: «در راه خدا اتفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید. نیکی

کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد».^۳

۳۵۴.

۲. انفال: ۴۶.

۱. انعام: ۶.

۳. بقره: ۱۹۵.